



رضاع مادر در قرآن کریم؛ تبیین احکام مقرر در آیه ۲۳۳ سوره بقره

مسعود امامی*

چکیده

شیردادن (رضاع) به نوزاد، به وسیله مادر یا غیرمادر (دایه) انجام می‌شود. به شیردادن مادر در آیات متعددی از قرآن کریم اشاره شده است. مهم‌ترین آیه‌ای که به بیان احکام شیردادن مادر می‌پردازد، آیه ۲۳۳ سوره بقره است. در این آیه احکام مربوط به مادر، پدر، فرزند شیرخوار، دایه و وارث پدر بیان شده است. اطلاق آیه شامل زنان در عقد ازدواج و زنان مطلقه می‌شود. آیه بر وجوب رضاع در غیر فرض ضرورت بر مادر و پدر دلالت ندارد. تعیین مدت دو سال شیردادن در آیه شریفه، موضوع احکام تعیین حله برای حکم استحبابی رضاع، تعیین حله برای حق مادر بر رضاع، تعیین حله برای استحقاق اجرت برای مادر و تعیین حله برای شیردادنی است که سبب حرمت ازدواج می‌شود.

واژگان کلیدی: رضاع، شیردادن، مادر، پدر.

مقدمه

شیردادن مادر به فرزند به دلیل جایگاه طبیعی مادر برای این امر، اختصاص به هیچ قوم و مذهبی ندارد. انسان‌ها از ماقبل تاریخ همانند همه پستانداران دیگر، به نوزادان خود شیر می دادند. پیش از قرن بیستم میلادی، افزودن جایگزین برای شیر مادر نادر بود. تلاش‌های برخی در قرن پانزدهم میلادی در اروپا برای استفاده از شیر گاو یا بُز به سرانجام نرسید. در قرن هجدهم میلادی، آرد یا غلات مخلوط با براث (آب گوشت) به عنوان جایگزین برای شیر مادر معرفی شدند، ولی این هم نتیجه مطلوبی را به دنبال نداشت. در قرن بیستم میلادی همزمان با نمایان شدن کیفیت‌های برتر از شیر مادر در مطبوعات پزشکی، به همان میزان، تغذیه با شیر مادر افزایش یافت و کشورهای گوناگون اقدام‌های لازم برای قانونی کردن حمایت از حقوق کودکان و مادران را افزایش دادند.

امروزه سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization) و دیگر مؤسسات بین‌المللی مرتبط با بهداشت و سلامت انسان، تغذیه انحصاری نوزاد از شیر مادر تا شش ماه و پس از آن شیردهی به همراه غذاهای دیگر برای دست‌کم یک‌سال و تا دو سال را پیشنهاد می‌کنند. در سال‌های اخیر نهادی به نام اتحاد جهانی اقدام برای شیردهی (WABA) پدید آمده است. این نهاد، شبکه‌ای ارتباطی میان افراد و گروه‌هایی است که به صورت جهانی برای گسترش شیردهی و فرهنگ شیردادن اقدام می‌کنند.

سازمان بهداشت جهانی، اتحاد جهانی اقدام برای شیردهی و بسیاری از مراجع دولتی و غیردولتی دیگر، بر اطلاع‌رسانی درمورد فواید بسیار شیردهی برای نوزاد و مادر کار می‌کنند؛ از جمله فواید برای نوزاد می‌توان به مقاومت بیشتر در برابر امراض گوناگون همچون بیماری اسهال، عفونت دستگاه تنفسی فوقانی، عفونت‌های دستگاه ادراری، کاهش شدید عفونت دستگاه تنفسی، محافظت در برابر سندرم مرگ ناگهانی نوزاد، هوش بالاتر، دیابت کمتر، چاقی کمتر در دوران کودکی، گرایش کمتر برای توسعه بیماری‌های آلرژیک، عفونت‌های کمتر روده‌ای در نوزادان نارس و تأثیرات بهداشتی درازمدتی چون کاهش بیماری سلیاک، سرطان پستان و

بیماری‌های قلبی عروقی اشاره کرد. ازسوی دیگر فوایدی که برای مادر مشخص شده و پایدار است، شامل کاهش وزن پس از زایمان، خطر ابتلای کمتر به سرطان پستان، سرطان تخمدان، سرطان آندومتر، معدنی‌سازی استخوان‌ها، خطر کمتر ابتلا به روماتیسم مفصلی و... می‌باشد.

افزون‌براین تحقیقات گسترده با استفاده از روش‌های جدید آزمایشگاهی و... مزایای فراوان شیردهی را برای نوزادان، مادران، خانواده‌ها و جامعه آشکار ساخته است. این فواید در ابعاد گوناگون مربوط به سلامت، تغذیه، دستگاه ایمنی، رشدونمو و ابعاد روانی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دیده می‌شود (مقاله شیردهی، ۹۸/۷/۱، www.wikipedia.org).

در آموزه‌های دین اسلام، تأکید فراوانی بر استفاده از شیر مادر برای تغذیه نوزاد دیده می‌شود. قرآن کریم در آیه ۲۳۳ سوره بقره، احکام شیردادن (رضاع) مادر به نوزاد را بیان کرده است. در نوشتار حاضر کوشش شده است احکام گوناگونی که از این آیه و آیات دیگر مربوط به شیردادن مادر به دست می‌آید، تبیین گردد. همچنین نکات تفسیری این آیه بر اساس آرای مفسران تشریح خواهد شد.

۱. رضاع در لغت

«رضاع» مصدر «رضع» است. در بیشتر منابع اصلی لغت، معنایی برای این کلمه به دلیل وضوح آن بیان نشده، فقط استعمالات گوناگون آن ذکر شده است و همانند بسیاری از لغات شایع و شناخته‌شده، فهم معنای آن به عرف واگذار شده است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۲۲۰/ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۴/ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۵۵/ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۵۲۴/ فیومی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲۹/ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۲۵).

درعین حال برخی اهل لغت به ذکر معنای آن پرداخته‌اند. خلیل آن را به «مص‌الثدی والشرب: مکیدن پستان و نوشیدن» (خلیل، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۰)، ابن‌فارس به «شرب‌اللبن من‌الثدی: نوشیدن شیر از پستان» (ابن‌فارس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۰۰) و زبیدی به

«امتصاص الثدي: مکیدن پستان» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۶۵) معنا کرده‌اند. برخی فقها نیز رضاع را در لغت به «امتصاص الثدي: مکیدن پستان» تعریف کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۵۹ / طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۴۴ / خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۷۸).

هرچند «مصّ» و «امتصاص» در فارسی به «مکیدن» ترجمه می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۹۸۴ / همان، ج ۳، ص ۳۳۳۳)، ولی این ترجمه دقیق نیست؛ زیرا در معنای این دو کلمه، نوشیدن و رسیدن شیر و مایع به معده دخالت دارد؛ چنان‌که اهل لغت عرب، مصّ را به «الشرب الرفیق: نوشیدن ملایم» معنا کرده‌اند (فیروزآبادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۱۸ / زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۳۵) و ابن‌عابدین از فقهای حنفی نیز تصریح می‌کند رسیدن شیر به معده کودک در معنای مصّ وجود دارد (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۲۹)؛ پس در لغت عرب، به صیرف مکیدن پستان بدون رسیدن شیر به معده، «مصّ» و «امتصاص» و در نتیجه «رضاع» گفته نمی‌شود.

۲. رضاع در اصطلاح

رضاع در فقه به تبع قرآن کریم و روایات، دو استعمال متفاوت دارد؛ نخست به معنای مطلق «شیردادن زن به کودک» است که موضوع احکام تکلیفی گوناگونی همچون وجوب یا استحباب رضاع مادر نسبت به فرزند یا جواز درخواست اجرت ازسوی مادر به جهت رضاع فرزندش می‌باشد. دوم به معنای «شیردادن غیرمادر به کودک با شرایط خاص که موجب حرمت نکاح می‌شود» است. معنای دوم، موضوع حکم تکلیفی حرمت نکاح به سبب قرابتی است که به واسطه رضاع میان برخی پدید می‌آید. موضوع نوشتار حاضر، رضاع به معنای نخست است.

۳. جایگاه رضاع در قرآن کریم و روایات

مشتقات گوناگون ماده «رضع» یازده مرتبه و طی شش آیه در قرآن کریم به معنای نوشیدن و مکیدن شیر از پستان به کار رفته است. یکی از آیات به قیامت (حج: ۲) و دو آیه به سرگذشت حضرت موسی علیه السلام مربوط است (قصص: ۷ و ۱۲). سه آیه دیگر از

آیات الأحکام و دارای پیام فقهی می‌باشد. آیه نخست درباره وظیفه شیردادن مادران نسبت به فرزندان‌شان تا دو سال (بقره: ۲۳۳) و آیه دوم درباره پرداخت نفقه شیردادن زن مطلقه به فرزندش است (طلاق: ۶). این دو آیه به معنای نخست رضاع مربوط می‌شوند که در مقاله حاضر بررسی خواهد شد. آیه سوم درباره حرمت نکاح به سبب رابطه رضاعی است (نساء: ۲۳) و به معنای دوم رضاع مربوط می‌شود که موضوع نوشتار پیش رو نیست.

بر پایه دو معنای متفاوت از رضاع در قرآن کریم، مباحث مربوط به رضاع در متون روایی و فقهی نیز غالباً در دو جایگاه مختلف مطرح می‌شود که به ترتیب اهمیت عبارت است از: «ابواب مربوط به حرمت نکاح به سبب قرابت رضاعی» و «ابواب مربوط به احکام و آداب شیردادن زن به کودک».

روایات فراوانی درباره رضاع به معنای نخست در منابع شیعی وارد شده است. شیخ حرّ عاملی طی شش باب از «ابواب أحكام الأولاد» حدود هجده روایت درباره احکام و آداب شیردادن به کودک - یعنی رضاع به معنای نخست - نقل کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۵۱-۴۵۸). محدث نوری ذیل همین ابواب، یازده روایت بر آنها می‌افزاید (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۵۵-۱۵۹).

در منابع روایی اهل سنت، روایات فراوانی از پیامبر اکرم ﷺ و صحابه در این باره نقل شده است. متقی هندی ذیل کتاب الرضاع از كنز العمال، حدود ۸۵ روایت نقل می‌کند (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۷۰) که بخشی از آن به رضاع به معنای نخست مربوط می‌شود.

۴. احکام رضاع مادر

قرآن کریم در آیه ۲۳۳ سوره بقره به مسئله شیردادن مادران به فرزندان‌شان می‌پردازد:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ

عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به‌طور شایسته به‌عهده پدر است. هیچ‌کس جز به‌قدر وسعش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به‌سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] نباید به‌خاطر فرزندش [ضرر ببیند] و مانند همین [احکام] به‌عهده وارث [نیز] هست؛ پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صواب‌دید یکدیگر کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید، بر شما گناهی نیست؛ به‌شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به‌عهده گرفته‌اید، به‌طور شایسته بپردازید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

خداوند در این آیه به حق بهره‌مندی نوزاد از شیر مادرش تأکید ورزیده است و در آن علاوه بر وظیفه مادر در شیردادن به نوزاد، متذکر حدّ مطلوب و نهایی آن (دو سال) شده است. درعین حال وظایف شوهر در حمایت شایسته اقتصادی از زن را در دوران شیردهی یادآور می‌شود و از فرض مرگ شوهر غفلت نمی‌کند و این وظایف را به‌عهده وارث او قرار داده است. سپس یادآور حقوق شوهر می‌شود و او و همسرش را به بیش از آنچه در توان‌شان است، مأمور نمی‌سازد و تأکید می‌کند که حفظ حقوق کودک نباید سبب زیان به پدر و مادر شود. آنگاه پایان دوران شیردهی را در فضایی مبتنی بر مصلحت و مشورت و نیز رضایت پدر و مادر ترسیم کرده است. درادامه به فرضی می‌پردازد که مادر به‌هردلیل به فرزندش شیر نمی‌دهد و شوهر ناچار است برای او دایه بگیرد. قرآن چتر حمایت خود را شامل دایه نیز می‌کند و به پدر یادآور می‌شود که باید حقوق مالی دایه را به‌طور شایسته بپردازد. درپایان همه را به پروای از خداوند که بر همه‌چیز آگاه است، فرامی‌خواند؛ بنابراین قرآن طی فقط یک آیه، حقوق و تکالیف پنج گروه را که عبارت‌اند از کودک، مادر، پدر، وارث پدر و دایه در کنار یکدیگر ذکر کرده است.

آیه پیش از این آیه به زنان مطلقه مربوط است؛ از همین رو این مسئله در کتب تفسیری و فقهی مطرح شده است که آیا آیه مذکور درباره زنان مطلقه است یا به زنان در حال ازدواج نیز تعلق می‌گیرد یا هر دو را شامل می‌شود؟

بیشتر مفسران قول سوم را برگزیده‌اند (اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۵۷/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۵۸/ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۹۶). قرطبی قول دوم را برمی‌گزیند. او می‌گوید مادر مطلقه‌ای که به فرزندش شیر می‌دهد، مستحق اجرت است، نه نفقه و آیه دلالت بر استحقاق نفقه دارد؛ پس به زن مطلقه مربوط نیست (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۶۰). آیه ۶ سوره طلاق مؤیدی برای قول قرطبی می‌تواند باشد. در این آیه برای شیردادن زن مطلقه، اجرت تعیین شده است، نه نفقه.

فخر رازی از برخی، قول نخست را نقل می‌کند. به نظر آنها این آیه درباره زنان مطلقه است؛ زیرا در ادامه آیه قبل می‌آید و مناسبت آن با آیه قبل در این است که با وجود طلاق میان زن و شوهر، این امر محتمل است که مادر به جهت فرار از مسئولیتی که در قبال نوزاد دارد یا برای آزار شوهر سابق، از رضاع و حضانت کودک خودداری کند؛ از این رو خداوند یادآور وظایف او در قبال کودکش می‌شود. دلیل دیگر بر قول نخست، این است که اگر آیه شامل زنان غیرمطلقه می‌شد، لازم نبود خداوند پس از بیان حکم رضاع، بر شوهران تکلیف کند که خوراک و پوشاک مناسب برای زنان تهیه کنند؛ چراکه تأمین این امور وظیفه همه مردان در قبال همسرانشان می‌باشد و به مادران هنگام شیردادن ارتباطی ندارد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۵۸).

قول سوم رجحان دارد. در پاسخ به قول نخست می‌توان گفت: اولاً، آیه اطلاق دارد و صرف قرارگرفتن آن پس از آیه مربوط به زنان مطلقه نمی‌تواند دلیل بر دست برداشتن از این اطلاق باشد؛ ثانیاً، ذکر نفقه بر خوراک و پوشاک، تأکید بر وظایف شوهر در شرایطی است که زن بیشتر به نفقه نیاز دارد؛ از این رو ذکر آن بی‌وجه نیست. در پاسخ به قول دوم می‌توان گفت بیشتر مصادیق مادران شیرده، مستحق نفقه‌اند و به همین دلیل در آیه از نفقه یاد شده است، نه اجرت؛ زیرا علاوه بر زنان غیرمطلقه، بر زنان مطلقه رجعی نیز نفقه واجب می‌شود؛ چراکه مطلقه رجعی در حکم زوجه است.

۴-۱. حکم تکلیفی رضاع برای مادر

حکم تکلیفی شیردهی به نوزاد متوجه مادر، پدر و دیگران - مانند وارث - است و درباره هر یک جداگانه باید سخن گفت. کلمه «یَرْضِعَنَّ» در آغاز آیه، دلیل بر حکم تکلیفی شیردادن مادر به فرزندش است. این کلمه فعل مضارع و در ظاهر جمله خبری است، ولی بی شک مقصود از آن اخبار از رفتار مادران نیست؛ زیرا روشن است که بسیاری از مادران به کودکان خود شیر نمی دهند؛ از این رو اخبار از شیردادن مادران کذب خواهد بود، مگر آنکه اخبار از حکم خداوند باشد که در این صورت به معنایی انشایی باز می گردد و شامل وجوب و استحباب می شود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۵/مقداد، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۳۱/ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۹۶).

برخی معنای آن را انشای امر می دانند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸۶/زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۸). از سوی دیگر امر ظاهر در وجوب است، مگر قراین بر خلاف آن باشد. در این آیه و آیات دیگر شواهد متعددی گویای این است که رضاع بر مادر واجب نیست. نخستین شاهد جمله «لَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةَ» بوده که قید کلمه «یَرْضِعَنَّ» است. در این جمله رضاع تا دو سال متوقف بر خواست مادر یا پدر یا هر دو شده است. دومین شاهد جمله «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» در همین آیه می باشد. از این جمله فهمیده می شود که رضاع واجب نیست و پدر و مادر می توانند کودک را پیش از دو سال از شیر بگیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۱/فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۵۹)؛ پس آیه شریفه دلالت بر وجوب رضاع بر مادر ندارد.

برخی از آیه ۶ سوره طلاق که دال بر این است: «شوهر باید اجرت رضاع زن مطلقه را بپردازد و اگر از پرداخت آن ناتوان است، دایه ای برای فرزندش بگیرد»، برداشت می کنند که شیردادن بر مادر واجب نیست؛ زیرا اگر واجب بود، نفقه ای به او تعلق نمی گرفت (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸۶/نجفی، ۱۴۱۴، ج ۳۱، ص ۲۷۲/فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۵۹). این استدلال پذیرفته نیست؛ زیرا منافاتی میان وجوب عمل و استحقاق اجرت نیست؛ همچنان که مشهور فقها به وجوب پرداخت اجرت رضاع به مادر حتی در موارد ضروری که شیردادن بر مادر واجب است، فتوا داده اند (شهید ثانی،

۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۵۲/ نجفی، ۱۴۱۴، ج ۳۱، ص ۲۷۳).

کلمه «یَرْضِعَنَّ» که بر انشای امر دلالت دارد، به دلیل وجود شواهدی در آیه بر عدم وجوب رضاع بر مادر، بر استحباب حمل می شود (نجفی، پیشین/ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸۶/ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۹۶). بیشتر فقها نیز فتوا به استحباب رضاع نوزاد از شیر مادرش داده اند (حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۹/ فیض کاشانی، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۷۰/ خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۱۲). این حکم استجابی متوجه پدر و مادر است تا با مشارکت با یکدیگر زمینه بهره مندی فرزند از شیر مادرش را فراهم سازند.

برخی دیگر امر را حمل بر همان معنای ظاهری آن یعنی وجوب می کنند و آن را مختص مواردی می دانند که به حیات کودک بدون شیر خوردن از مادر، ضرر وارد شود؛ مانند اینکه کودک غذا و شیر دیگری را نخورد یا پدر در صورت خودداری مادر از شیردادن، توان مالی گرفتن دایه نداشته باشد (اردبیلی، [بی تا]، ص ۵۵۶). این قول پذیرفته نیست؛ زیرا قرینه ای در آیه برای حمل شیردادن بر موارد ضروری دیده نمی شود.

بر پایه شواهد مذکور و نیز ادله و شواهد دیگر، فقیهان شیعه اتفاق نظر دارند که شیردادن به نوزاد تا زمانی که ضرورت اقتضا نکند، بر مادر واجب نیست و بر این فتوا ادعای اجماع کرده اند (راوندی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۹/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۷۲)، اما فقهای اهل سنت در این باره اختلاف نظر دارند. شافعی و حنبله آن را بر مادر واجب نمی دانند و حنفیه و مالکیه آن را واجب می دانند، اما مالکیه دو گروه را استثنا می کند؛ نخست مادری که در طلاق بائن باشد و دوم مادری که دارای چنان جایگاه اجتماعی است که امثال او برای نوزادشان دایه می گیرند (ابن قدامه، [بی تا]، ج ۹، ص ۳۱۲/ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴، ج ۲۲، ص ۲۳۹).

یکی از موارد اختلاف در ضروری بودن تغذیه نوزاد از شیر مادر، آغوز است. آغوز نخستین شیری است که پس از زایمان از سینه مادر می آید و مواد بسیار مفیدی برای نوزاد دارد و در رشد و سلامت کودک نقش مؤثری ایفا می کند. پیش از این گذشت که اگر شیردادن برای حیات کودک ضروری باشد، حکم تکلیفی شیردادن حسب مورد بر مادر یا پدر وجوب خواهد بود؛ بر این اساس اگر از نظر پزشکی احراز شود که خوردن

آغوز برای کودک ضروری است و نقش مهمی در سلامت و رشد او دارد، تردیدی در فتوای به وجوب نباید کرد.

این مسئله در منابع فقهی شیعه و اهل سنت مطرح شده است. برخی فقیهان شیعه (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۰۱ / شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۱۷۶ / کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۳۱) و فقهای شافعی (نووی، [بی تا]، ج ۱۸، ص ۳۱۲ / انصاری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۱۰ / شربینی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۴۹) فتوا به وجوب خوراندن شیر روزهای نخستین پس از تولد که به آغوز (اللباء) معروف است، بر مادر داده‌اند؛ زیرا اگر نوزاد این شیر را نخورد، زنده نخواهد ماند، ولی بیشتر فقهای شیعه این ضرورت و در نتیجه حکم وجوب آن را نپذیرفته‌اند (مقداد، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۲۶۷ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۷۹ / خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۳۹ / شوشتری، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۱۷۸).

اختلاف فقیهان در این مسئله به تشخیص مصداق مربوط می‌شود که از حوزه تخصص فقیه خارج است و باید تشخیص آن به کارشناس واگذار شود؛ پس اگر ضرورت خوراندن آغوز به نوزاد با دلیل معتبر از جمله بر پایه پیشرفت های علم پزشکی ثابت شود، مشمول فتوای وجوب خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۴۶).

صدق ضرورت نیز متوقف بر حیات کودک نیست، بلکه اگر خوردن آغوز نقش بسیار مهمی در سلامت و رشد کودک در طول زندگی‌اش داشته باشد، ضرورت صادق است؛ هرچند کودک بدون خوردن آن زنده بماند. روشن است این حکم متوجه مادر می‌باشد و مقید به پرداخت اجرت از سوی پدر نیست؛ پس اگر مادر درخواست اجرت کند و پدر معصیت کرده، از پرداخت اجرت استنکاف ورزد، مادر مکلف است بدون اجرت کودک را از آغوز بهره‌مند سازد.

۲-۴. حکم تکلیفی رضاع برای پدر

درباره حکم تکلیفی رضاع برای پدر که با فراهم کردن مقدمات آن مانند پرداخت اجرت به مادر یا اجیرکردن دایه محقق می‌شود، چهار قول وجود دارد:

قول نخست: به اجماع فقهای شیعه، دو سال کامل به استناد آیه شریفه و روایات،

مستحب است و قریب به اتفاق فقها ۲۱ ماه را واجب می‌دانند؛ براین اساس به‌باور فقیهان شیعه، شیردادن بر مادر واجب نیست، ولی بر پدر که عهده‌دار نفقه نوزاد است، واجب می‌باشد. او مخیر است مقدمات شیردادن مادر یا غیرمادر را - هرچند به پرداخت اجرت - فراهم سازد.

مستند قول به وجوب ۲۱ ماه، دو روایت است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۰/طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۴) که به‌نظر بیشتر فقیهان ضعیف‌اند؛ هرچند به‌باور بسیاری عمل مشهور سبب جبران ضعف سند آنهاست (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۵۰۳/حلی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۸۹/نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۷۷/خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۱۲). درباره وجوب ۲۱ ماه حتی ادعای اجماع نیز شده است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۵۰/فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۴۸). مطابق این قول، وجه ذکر دو سال کامل در آیه ۲۳۳ سوره بقره باوجود اینکه فقط ۲۱ ماه رضاع نوزاد واجب است، بیان حکم استحبابی رضاع برای پدر و مادر می‌باشد؛ براین اساس رضاع در همه دو سال بر مادر مستحب است و بر پدر ۲۱ ماه آن واجب و سه ماه دیگر مستحب می‌باشد.

قول دوم: بر اساس قول دوم اگر نوزادی شش ماهه (اقل حمل) به‌دنیا آمد، باید دو سال کامل و اگر به‌طور متعارف نُه ماهه به‌دنیا آمد، باید ۲۱ ماه شیر داده شود. در هر دو فرض، مجموع زمان بارداری و شیردهی سی ماه خواهد بود. از ظاهر کلام طبرسی پس از انتساب این قول به ابن‌عباس فهمیده می‌شود که این قول متعلق به برخی فقهای امامیه است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸۶). شیخ طوسی می‌گوید: روایات شیعه قول ابن‌عباس را تأیید می‌کند؛ زیرا در روایات آمده است که اگر به نوزاد کمتر از ۲۱ ماه شیر داده شود، به او ظلم شده است و مطابق این امر، حدّ رضاع برای کودکان متعارف که نُه ماهه به‌دنیا می‌آیند، ۲۱ ماه است (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۶).

در این قول تلاش شده است مشکل تعارض روایاتی که دلالت بر حق رضاع برای کودکان به مدت ۲۱ ماه دارند، با آیه شریفه که دلالت بر رضاع دو سال کامل دارد، حلّ شود. درعین حال این قول میان فراز «حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» با آیه «حَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا: زمان بارداری و شیردادن انسان سی ماه است»، هماهنگی برقرار می‌کند. مشکل قول

مذکور این است که فراز «حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» در آیه شریفه حمل بر فرد نادر که شش ماه دوران بارداری می‌باشد، شده است، درحالی‌که این امر مخالف ظاهر آیه است.

قول سوم: برخی فقیهان با استناد به اطلاق فراز «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» و روایتی معتبر (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۰۶) و نیز خدشه در سند و دلالت دو روایت مورد استناد در قول نخست، فتوا به وجوب رضاع بر پدر را رد می‌کنند و فقط استحباب آن تا دو سال کامل را برمی‌گزینند (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۶۳/ سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲۰/ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۲۹۸).

اطلاق فراز «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» این قول را تأیید می‌کند. این اطلاق شامل گرفتن فرزند از شیر پیش از دو سال یا اعم از پیش و پس از آن است. محقق اردبیلی احتمال دوم را ترجیح می‌دهد (اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۶۰). بنا بر هردو احتمال، شیردادن تا دو سال واجب نیست. فراز «لَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةَ» نیز مؤید این قول می‌باشد و بر عدم وجوب رضاع تا دو سال بر پدر و مادر دلالت دارد.

این قول به دلیل ظهور آیه شریفه رجحان دارد، مگر ضعف سند و دلالت دو روایت مذکور جبران شود. به علاوه سیره متشرعه نیز گویای عدم التزام به رضاع در ۲۱ ماه است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۴۹۹).

قول چهارم: به نظر جمهور اهل سنت، رضاع دوسال کامل بر پدر واجب است (ابوحنان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۹۷).

۳-۴. حکم تکلیفی رضاع برای غیر پدر و مادر

در فراز «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» در آیه ۲۳۳ سوره بقره به حکم تکلیفی رضاع نسبت به غیر پدر و مادر نیز پرداخته شده است. مفسران درمورد این فراز، اقوال و احتمالات گوناگونی نقل کرده‌اند:

قول نخست: فراز «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» عطف به «الْمَوْلُودِ لَهُ» است و معنای آن این است که اگر پدر از دنیا رفت، وارث پدر عهده‌دار وظایف او در قبال مادر می‌شود. محقق اردبیلی پذیرش این قول را باتوجه به اینکه نفقه فرزند فقط بر پدر و

مادر واجب می‌باشد، مشکل می‌داند، ولی شیخ طوسی آن را مطابق روایات شیعه و ظاهر قرآن می‌داند.

قول دوم: مقصود، وارث فرزند شیرخوار است؛ یعنی پس از مرگ پدر، نفقه مادر و فرزند از مال فرزند و به‌وسیله وارث فرزند داده شود.

قول سوم: مقصود، مادر است که پس از مرگ شوهرش باید عهده‌دار وظایف او شود. محقق اردبیلی دو معنای اخیر را دور از ظاهر آیه می‌داند.

قول چهارم: مقصود، جدّ و جدّه است.

قول پنجم: منظور، وارثان پدر در فرضی است که مادر در زمان حیات پدر در قبال رضاع اجرت می‌گرفته است؛ پس بر وارثان نیز واجب است اجرت را بپردازند.

قول ششم: مقصود از وارث، خود فرزند است؛ یعنی از مالی که به فرزند به‌ارث رسیده، نفقه مادر پرداخت شود. فاضل مقداد و صاحب جواهر این قول را برگزیده‌اند، ولی به‌نظر محقق اردبیلی خلاف ظاهر آیه است (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۹ اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۶۰/مقداد، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۳۴/نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۶۹/فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۶۳/قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۶۸).

ابن عربی دو معنای دیگر بر این معنای افزوده است. نخست، قول مالک که به‌نظر او این بخش از آیه نسخ شده است. ابن عربی نسخ در کلام مالک را حمل بر تخصیص می‌کند. دوم آنکه مقصود، وارث پدر است، ولی این عبارت عطف به همه آنچه بر پدر واجب می‌باشد، نیست، بلکه فقط عطف به عدم اضرار است؛ یعنی وارث پدر نباید ضرری به زن برساند (ابن عربی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰۵).

همچنان‌که آشکار است و بیشتر مفسران نیز گفته‌اند، آیه ظهور در معنای نخست دارد که عطف به «الْمَوْلُودِ لَهُ» است (ابو حیان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۰۲/راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۲۲/کاظمی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۱۲). برخی فقیهان، قول نخست را این‌گونه بر احکام و مقررات فقهی تطبیق داده‌اند که چون به‌نظر همه فقیهان نفقه پدر، مادر و پدر و مادر آنها را تا هرچه بالاتر رود و نیز نفقه فرزندان و فرزند فرزندان آنها را تا هرچه پایین‌تر رود، بر مکلف واجب است و نیز به‌نظر مشهور فقیهان، نفقه سایر خویشان

در صورت نیاز مستحب است؛ پس در صورت مرگ پدر، بنا بر نسبتی که وارث او با شیرخوار و مادرش دارد، نفقه بر وارث واجب یا مستحب خواهد بود (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۹۵ / طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۷۹).

۴-۴. اکثر مدت رضاع

مشهور فقها شیردادن کودک بیش از ۲۶ ماه را بر پدر و مادر حرام می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۵۰۳ / حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۹ / فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۴۸ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۷۷). برخی گفته‌اند وجه تعیین ۲۶ ماه این است که کودک را یک‌دفعه نمی‌توان از شیر گرفت و غالباً پس از اتمام دو سال - یعنی ۲۴ ماه - نیاز به فرصت یک یا دوماهه است تا به‌مرور کودک از شیر گرفته شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۷۷ / فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱، ص ۵۵۵).

جمعی دیگر از فقها ادعا کرده‌اند رأی مشهور بر حرمت، فاقد هرگونه دلیل روایی و غیرروایی است و به مقتضای اصل اولی، قول به جواز را برگزیده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۱۷ / عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۶۳ / بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۸۱ / طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۵۱). بیشتر فقهای اهل سنت شیردادن بیش از دو سال را جایز شمرده‌اند (نووی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۵۲۲ / ابن‌نجیم، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۸).

از دلایل هردو گروه از فقها فهمیده می‌شود که هیچ‌یک از فراز «حَوَّلَیْنِ کَامِلَیْنِ» حرمت بیش از دو سال را برداشت نکرده است. باتوجه به فقدان دلیل روشن و معتبر برای قول مشهور، قول به عدم حرمت به دلیل مطابقت با اصل برائت رجحان دارد.

۴-۵. استحقاق اجرت برای مادر

قرآن کریم با اینکه در فراز «وَالْوَالِدَاتُ یَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوَّلَیْنِ کَامِلَیْنِ»، مادران را به شیردادن به فرزندان‌شان ترغیب می‌کند، آنان را مستحق اجرت برای شیردادن نیز می‌داند. همه فقهای شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که مادران اجمالاً استحقاق اجرت برای شیردادن فرزندان‌شان را دارند؛ هرچند در برخی فروع اختلاف نظر هست.

مهم‌ترین مستند فقها این فراز از قرآن کریم است: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُمْ أَجُورَهُنَّ» (طلاق: ۶). همچنین فراز «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ» (بقره: ۲۳۳) می‌تواند دلالت بر آن داشته باشد؛ اگرچه این فراز بیشتر ظهور در نفقه دارد.

فتاوی فقهای درباره استحقاق اجرت برای شیردادن در دو فرض مطرح می‌شود: فرض نخست: موردی است که مادر در دوران زوجیت یا دوران عده در طلاق رجعی است. در این فرض سه قول میان فقها دیده می‌شود:

قول نخست: مادر مستحق اجرت است. این قول را مشهور فقهای شیعه و اهل سنت برگزیده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۵۲ / فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۴۵ / خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۱۲ / جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴، ج ۲۲، ص ۲۴۰).
قول دوم: مادر مستحق اجرت نیست. این قول مختار شیخ طوسی است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۰).

قول سوم: مادر هنگامی که رضاع بر او واجب نیست، مستحق اجرت می‌باشد و هنگامی که رضاع بر او واجب است، مستحق اجرت نیست. این قول متعلق به حنفیه و مالکیه است (دسوقی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۲۶).

فرض دوم: آنجاست که مادر از عده طلاق خارج شده یا در عده وفات یا عده طلاق بائن است. در این فرض، اجرت شیردادن مادر به طریق اولی به عهده پدر می‌باشد؛ از این رو حتی کسانی که زن را در زمان زوجیت مستحق اجرت نمی‌دانستند، در این موارد فتوا به استحقاق اجرت داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۶). فقیهان شیعه و اهل سنت در این مسئله اتفاق نظر دارند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۱۳ / جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴، ج ۲۲، ص ۲۴۰).

قرآن کریم در آیه ۶ سوره طلاق، به مسئله رضاع مادر پس از طلاق پرداخته و به صراحت اجرت شیردادن را به عهده مرد نهاده است:

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُمَا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمَ فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى: همان‌جا که [خود] سکونت دارید، به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر

آنان تنگ کنید و اگر باردارند، خرج‌شان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند، مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید و اگر کارتان [در این مورد] با یکدیگر به دشواری کشید، [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد.

در آیه مذکور به صراحت به مردان فرمان داده شده است که اجرت شیردادن زن مطلقه را بپردازند. تکلیف به پرداخت اجرت از جهت تکلیف به پرداخت نفقه زن نیست؛ زیرا نفقه زن مطلقه فقط در زمان عده به عهده مرد است و زن باردار چه بسا با وضع حمل، از عده خارج شود، درحالی که تکلیف به پرداخت اجرت رضاع تا پایان دو سال به عهده مرد است.

فقها اتفاق نظر دارند که وجوب پرداخت اجرت رضاع به جهت تکلیف پدر به پرداخت نفقه فرزندش می‌باشد؛ دراین صورت وجوب پرداخت اجرت مانند دیگر موارد وجوب نفقه، مقید به موردی می‌شود که فرزند فقیر است؛ پس اگر فرزند دارای مال باشد، واجب نیست پدر از مال خود اجرت رضاع را بپردازد، بلکه می‌تواند از مال فرزند پرداخت کند. در هر صورت پدر چون ولی طفل است، عهده‌دار پرداخت اجرت خواهد بود (اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۴۰/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۷۵).

۴-۶. حق مادر بر رضاع

یکی دیگر از احکام استنباط‌شده از آیه ۲۳۳ سوره بقره، حق مادر بر رضاع است؛ یعنی اگر مادر خواستار شیردادن به فرزندش باشد، پدر نمی‌تواند برای او دایه بگیرد و باید شیردادن فرزند را به مادر بسپارد. فقهای شیعه اجماع بر حق رضاع برای مادر دارند (اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۴۰).

برخی فقیهان و مفسران فراز «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» را حاکی از همین معنا می‌دانند. آنان نتیجه می‌گیرند که حضانت و نگهداری کودک در دو سال نخست زندگی‌اش نیز حق مادر است؛ زیرا رضاع و حضانت با یکدیگر تلازم دارند (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۱۹/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۰/ ابن عربی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰۳/ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۶۴).

فهم این معنا از آیه نه تنها منافاتی با دلالت آیه بر حکم تکلیفی وجوب یا استحباب رضاع بر مادر ندارد، بلکه از حکم تکلیفی وجوب یا استحباب رضاع بر مادر، حق او به رضاع نیز فهمیده می‌شود (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸۶).

بعضی از فقیهان برای حق مادر بر رضاع به فراز «وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يُولَدُ» استناد کرده‌اند. استناد محل بحث متوقف بر این است که فراز بدین معناست که پدر نباید به سبب فرزند به مادر ضرر برساند؛ زیرا در صورت ممانعت پدر از شیردادن مادر به فرزندش، به مادر ضرر می‌رسد (اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۵۸). احتمالات گوناگون درباره معنای این فراز پس از این بیان خواهد شد.

فراز «وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمُ فَمُتْرَضِعُ لَهُ أُخْرَى» (طلاق: ۶) به مفهوم مخالف دلالت بر این دارد که در صورت رضایت مادر و عدم دشواری نباید دایه گرفت و مادر در رضاع فرزندش مقدم است (اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۴۰).

۴-۷. مورد استثنای از حق مادر بر رضاع

به نظر فقیهان شیعه اگر مادر بخواهد نوزادش را شیر دهد، پدر نمی‌تواند ممانعت کند، حتی اگر مادر درخواست اجرت نماید، مگر اینکه پدر توان پرداخت اجرت را نداشته باشد یا مادر خواستار اجرتی بیش از آنچه دیگران درخواست کرده‌اند، باشد (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۰۱ / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۵۷ / خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۱۲). بیشتر فقهای اهل سنت مطابق فقهای شیعه فتوا داده‌اند (ابن قدامه، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۳۱۲ / جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴، ج ۲۲، ص ۲۴۰). به نظر می‌رسد درخواست اجرت بیش از دیگران، مجوز نادیده گرفتن حق مادر نیست، بلکه درخواست اجرت بیش از اجرة المثل می‌تواند علت نادیده گرفتن این حق باشد.

حکم استثنای از حق رضاع مادر، از فرازهای قرآن کریم قابل برداشت است. نخست دو فراز «لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ يَوْلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يُولَدُ» است. این دو فراز چنان‌که خواهد آمد، به گونه‌های مختلف قابل قرائت می‌باشد. بنا بر اینکه معنای فراز نخست این باشد که مادر نباید به سبب فرزند به پدر ضرر برساند یا معنای فراز دوم این باشد

که پدر نباید به سبب فرزند متضرر شود، می توان این استثنا را از آیه شریفه استنباط کرد؛ زیرا در صورتی که پدر توان پرداخت اجرت را نداشته باشد یا مادر خواستار اجرتی بیش از اجرة المثل، باشد، تکلیف کردن پدر به پرداخت اجرت به مادر سبب ضرر به او خواهد بود.

همچنین این استثنا از ملاک آیه «وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِشْرَتُمْ فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى» (طلاق: ۶) نیز فهمیده می شود؛ زیرا این آیه دلالت بر این دارد که پدر در صورت ناتوانی از پرداخت اجرت مورد درخواست زوجه مطلقه می تواند شیردادن را به کسی دیگر واگذارد.

۴-۸. مدت رضاع

آیه ۲۳۳ سوره بقره و نیز آیه «وَصَبْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ: و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی و از شیر بازگرفتنش در دو سال است. [آری! به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است» (لقمان: ۱۴)، مدت شیردادن را دو سال کامل ذکر کرده اند.

مدت دو سال شیردادن، موضوع دست کم چهار حکم شرعی است:

نخست، تعیین حدّ برای حکم استحبابی رضاع؛ پس شیردادن بیش از دو سال مستحب نیست.

دوم، تعیین حدّ برای حق مادر بر رضاع؛ پس مادر بیش از دو سال حقی برای شیردادن ندارد.

سوم، تعیین حدّ برای استحقاق اجرت برای مادر؛ پس اگر مادر درخواست اجرت برای شیردادن بیش از دو سال نماید، پرداخت اجرت بر مرد واجب نیست (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۵).

چهارم، تعیین حدّ برای شیردادنی که سبب حرمت ازدواج می شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۹۶).

این دو آیه که دلالت بر مدت دو سال شیردادن دارد، با آیه دیگری که دلالت بر

این دارد که «زمان بارداری و شیردادن انسان، سی ماه است» (احقاف: ۱۵)، در ظاهر متنافی می‌نماید؛ زیرا باتوجه به اینکه دوران بارداری نُه ماه است، در نتیجه زمان شیردادن ۲۱ ماه می‌شود، درحالی‌که در دو آیه نخست، زمان شیردادن دو سال یعنی ۲۴ ماه ذکر شده است.

در روایتی از امام علی^{علیه السلام} تعارض مذکور این‌گونه حل شده است که آیه اخیر به مدت اقل دوران بارداری که شش ماه می‌باشد، اشاره کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۸۲)؛ پس در هر سه آیه، مدت شیردادن کامل، دو سال تمام خواهد بود. / ابن عربی می‌گوید:

برخی از این تفسیر علی بن ابی طالب^{علیه السلام} این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که زمان دوران بارداری و شیردهی در هر صورت سی ماه است؛ پس اگر کودک در شش ماهگی به دنیا بیاید، دو سال تمام شیر داده می‌شود و اگر در نُه ماهگی به دنیا بیاید، ۲۱ ماه شیر داده می‌شود (ابن عربی، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۰۲).

۴-۹. عدم اضرار به پدر و مادر

خداوند در آیه ۲۳۳ سوره بقره پس از بیان حق شیرخوارگی کودک که به عهده پدر و مادر است، یادآور حقوق پدر و مادر می‌شود تا مسلمانان از اعتدال خارج نشوند و رعایت حقوق همه افراد خانواده را نمایند. در فراز «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که مادر در شیردادن به فرزندش و پدر در تأمین نفقه مادر، به بیش از آنچه در توان‌شان است، تکلیف نشده‌اند و رعایت حقوق کودک نباید سبب زیان پدر و مادر شود.

در قرائت و نیز تصریف کلمه «لَا تُضَارَّ»، اختلاف است و همین امر سبب تغییر معنای این فراز از آیه می‌شود. این کلمه فعل مضارع باب تفاعل است و بنا بر بیشتر قرائات، به فتح راء خوانده می‌شود که در این صورت فعل نهی خواهد بود. برخی آن را به ضمّ خوانده‌اند؛ بنابراین فعل نفی است که دلالت بر معنای انشایی نهی می‌کند. بر پایه هر دو قرائت، ممکن است فعل معلوم یا مجهول باشد. همچنین بر این اساس که فعل معلوم باشد، ممکن است فعل لازمی باشد که با حرف باء متعدی شده، یا فعل متعدی

باشد که مفعولش حذف شده است. اگر فعل معلوم متعدی باشد که مفعولش حذف شده است، معنای آیه این گونه خواهد بود که مادر و پدر نباید به سبب وجود فرزند، به دیگری زیان برسانند. برخی روایات این معنا را برای آیه تأیید می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۳/ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۶/ عیاشی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۲۰). در صورتی که فعل مجهول باشد، معنای آن این گونه خواهد بود که پدر و مادر نباید به سبب وجود فرزند، زیان ببینند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۸/ اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۵۵۸/ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۰۲/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۶۲). بر اساس این دو معنا، آیه شریفه به رعایت حقوق پدر و مادر تأکید می‌کند، ولی اگر این کلمه فعل معلوم لازم باشد، معنای آن این است که پدر و مادر نباید به فرزند خود آسیب برسانند؛ در این صورت در این فراز، همچنان بر رعایت حقوق کودک تأکید شده است.

نتیجه

از مطالب پیش گفته، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. در آیه ۲۳۳ سوره بقره، حقوق و تکالیف پنج گروه «کودک»، «مادر»، «پدر»، «وارث پدر» و «دایه» در کنار یکدیگر ذکر شده است. اطلاق آیه شامل زنان در عقد ازدواج و زنان مطلقه می‌شود و اختصاص آیه قبل به زنان مطلقه، باعث نمی‌شود این آیه به زنان مطلقه مقید شود.

۲. رضاع بر مادر مستحب است، ولی اگر تغذیه با شیر مادر برای کودک ضرورت داشته باشد، رضاع بر مادر واجب است. همچنین اگر ثابت شود خوردن آغوز برای سلامت و رشد کودک لازم است، خوراندن آغوز به نوزاد بر مادر واجب خواهد بود.

۳. قول به استحباب رضاع بر پدر و عدم وجوب آن به دلیل موافقت با آیه، بر اقوال دیگر رجحان دارد.

۴. در صورت مرگ پدر، بنا بر نسبیتی که وارث او با شیرخوار و مادرش دارد، نفقه مادر و شیرخوار بر وارث واجب یا مستحب خواهد بود.

۵. رضاع پس از دو سال حرام نیست.



۶. مادر برای شیردادن در دوران زوجیت، دوران عده در طلاق رجعی، عده طلاق بائن و عده وفات، مستحق اجرت است.
۷. مادر حق بر رضاع دارد؛ پس اگر مادر خواستار شیردادن به فرزندش باشد، پدر نمی‌تواند برای او دایه بگیرد و باید شیردادن فرزند را به مادر بسپارد، مگر اینکه پدر توان پرداخت اجرت را نداشته باشد یا مادر خواستار اجرتی بیش از اجرةالمثل باشد.
۸. مدت دو سال شیردادن، موضوع دست کم چهار حکم شرعی است: نخست، تعیین حدّ برای حکم استحبابی رضاع؛ دوم، تعیین حدّ برای حق مادر بر رضاع؛ سوم، تعیین حدّ برای استحقاق اجرت برای مادر؛ چهارم، تعیین حدّ برای شیردانی که سبب حرمت ازدواج می‌شود.
۹. مادر و پدر نباید به سبب رضاع فرزند، زیان ببینند.

منابع

١. ابن عابدين، محمد امين؛ حاشية رد المحتار على الدر المختار؛ بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ق.
٢. ابن عربي، محمد بن عبدالله؛ أحكام القرآن؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي، [بى تا].
٣. ابن فارس، احمد؛ معجم مقائيس اللغة؛ بيروت: عبدالسلام محمد هارون، ١٤٠٩ق.
٤. ابن قدامه، عبدالله بن احمد؛ المغنى؛ بيروت: دار الكتاب العربي، [بى تا].
٥. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب؛ ٣، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ق.
٦. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم؛ البحر الرائق شرح كنز الدقائق؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٧. ابويان، محمد بن يوسف؛ البحر المحيط فى التفسير؛ تحقيق محمد جميل صدقى؛ بيروت: دار الفكر، ١٤٢٠ق.
٨. اردبيلي، احمد بن محمد؛ زبدة البيان فى أحكام القرآن؛ تحقيق محمد باقر بهبودى؛ تهران: المكتبة الجعفرية، [بى تا].
٩. انصارى، زكريا بن محمد؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
١٠. بحراني، يوسف بن احمد؛ الحقائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة؛ تصحيح محمد تقى ايروانى؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٥ق.
١١. جمعى از نويسندگان؛ الموسوعة الفقهية الكويتية؛ ٣، كويت: وزارت اوقاف، ١٤٢٤ق.
١٢. جوهرى، اسماعيل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ تحقيق احمد عبدالغفور عطار؛ بيروت: دار العلم للملايين، ١٤١٠ق.

۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشيعة إلى تحصيل المسائل الشريعة؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۴. حسینی روحانی، سید صادق؛ فقه الصادق (ع)، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۲ق.
۱۵. حلی، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۵ق.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف؛ قواعد الأحكام فی معرفة الحلال والحرام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۷. حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم؛ تحقیق حسین بن عبدالله عمری و دیگران؛ بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۱۸. خلیل، ابن احمد؛ کتاب العين؛ تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی؛ چ ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۹. خمینی، سید روح الله؛ تحریر الوسیلة؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامي، [بی تا].
۲۰. خوانساری، احمد؛ جامع المدارک فی شرح مختصر النافع؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ چ ۲، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
۲۱. دسوقی، محمد بن عرفه؛ حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير؛ بیروت: دار إحياء الكتب العربية، [بی تا].
۲۲. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی؛ چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ تحقیق صفان عدنان داودی؛ لبنان: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۴. راوندی، سعید بن عبدالله؛ فقه القرآن؛ تحقیق سید احمد حسینی؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۲۵. زبیدی، محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تصحیح علی شیری؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۶. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ چ ۳، بیروت: دارالکتاب

العربی، ۱۴۰۷ق.

۲۷. سیستانی، سیدعلی؛ منهاج الصالحین؛ ج ۵، قم: دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۱۷ق.
۲۸. شریینی، محمد؛ مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۷ق.
۲۹. شوشتري، محمدتقی؛ النجعة فی شرح اللمعة؛ تهران: کتابفروشی صدوق، ۱۴۱۶ق.
۳۰. صاحب بن عباد؛ المحيط فی اللغة؛ تحقیق محمدحسن آل یاسین؛ بیروت: عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طباطبائی، علی بن محمد؛ ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل؛ تحقیق محمد بهره مند و دیگران؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ق.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد حبیب قصیر؛ [بی جا]: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیة؛ تصحیح سید محمدتقی کشفی؛ ج ۳، تهران: المکتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ق.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن؛ النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی؛ ج ۲، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۸. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی؛ اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة؛ تحقیق محمدتقی مروارید؛ بیروت: دارالتراث، ۱۴۱۰ق.
۳۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ تحقیق سید محمد کلانتر؛ قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.

۴۰. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۴۱. عاملی، محمد بن علی؛ نهاية المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: مکتبه علمیة الإسلامية، [بی تا].
۴۳. فاضل لنکرانی، محمد؛ تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة النکاح؛ قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۱ق.
۴۴. فاضل هندی، محمد بن حسن؛ کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۴۵. فخر رازی، محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ ج ۳، قم: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب؛ القاموس المحيط؛ بیروت: دار العلم، [بی تا].
۴۷. فیض کاشانی، محمد محسن؛ مفاتیح الشرائع؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، [بی تا].
۴۸. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ قم: دار الرضی، [بی تا].
۴۹. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۰۵ق.
۵۰. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمّی؛ تحقیق سید طیب موسوی جزایری؛ ج ۴، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۵۱. کاشف الغطاء، محمد حسین؛ تحریر المجلة؛ نجف: مکتبه مرتضویة، ۱۳۵۹ق.
۵۲. کاظمی، جواد بن سعد؛ مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام؛ [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۵۴. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال؛

- بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٥٥. مقداد، ابن عبدالله؛ التنقيح الرائع لمختصر الشرائع؛ تحقيق سيدعبداللطيف حسيني؛ قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤٠٤ق.
٥٦. مقداد، ابن عبدالله؛ كنز العرفان في فقه القرآن؛ قم: مرتضوى، ١٤٢٥ق.
٥٧. مكارم شيرازي، ناصر؛ أنوار الفقه - كتاب النكاح؛ قم: انتشارات مدرسة الإمام علي بن ابي طالب عليه السلام، ١٤٢٥ق.
٥٨. نجفي، محمدحسن؛ جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ تحقيق عباس قوچاني و علي آخوندي؛ ج٧، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٤ق.
٥٩. نوري، حسين؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بيروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ق.
٦٠. نووي، محي الدين بن شرف؛ المجموع شرح المذهب؛ بيروت: دار الفكر، [بي تا].
٦١. نووي، محي الدين بن شرف؛ روضة الطالبين؛ تحقيق عادل احمد؛ بيروت: دار الكتب العلميّه، [بي تا].